

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم "اسیر"

شانزدهم مارچ 2012

صدای غم!!!

حمله جنون آمیز نیمه شب عسکر امریکائی در منزلی در پنجوائی ولایت قندهار و کشتار بی رحمانه زنان و اطفال بی گناه، فاجعه ایست که مغز استخوان هر افغان علاقه مند به وطن و مردمش را میسوزاند. من نمیدانم خانه بی صاحب و بی در و دروازه افغانستان، چه آزمایشگاه هیست که از سی و پنج سال به این طرف تخته مشق و ارکاره هر کس و ناکس، هر کل و کور و به اصطلاح عامیانه کابل عزیز، هر سگ و سگور گشته است، که بدون پرسان دران سر میزنند و سرها را از تن جدا میکنند، بر کشته های ما میباشند، با جسدهای بی جان جوانان در خون غلتیده، مسرت کنان عکسهای یادگاری میگیرند و در نیمه شبها زنان و اطفال را در بستر خواب قتل عام میکنند؟؟؟ مگر این سرزمین مردگان است و مردگان متحرک بر آن حکومت میکنند؟؟؟
این شعر را با نفرت، به عاملین این فاجعه حواله میکنم :

آتشی افروخت بدمستی دگر	باز، با پیوند و پیوستی دگر
فتنه ای انگیخته، پستی دگر	مست بود از جام صهبای غرور
کافری، با خیز و با جستی دگر	ریخت خون بی گناهان در وطن
جنس بی مقدار در دستی دگر	ما به دست دیگران افتاده ایم
داده ما را دهر پیوستی دگر	قسمت ما جلوه های نیستی ست
باورم نایب، بود هستی دگر	هست میگویند، روز باز خواست
میشود پیدا، زبردستی دگر	ای عدو! بر قدرتت غره مشو
میرسد روز دگر، دستی دگر	دست ما با دشمنی بشکسته ای
باش تا بینیم، اشکستی دگر	بارها کاخ ستم بشکسته ایم

از وطن آید صدای غم «اسیر»

تو بدنای دگر، مستی دگر

(م. نسیم «اسیر» – فرانکفورت، 11 مارچ 2012 م)